

## دادگاه امیرخسروی

### جرمش این بود که اسرار هویدا میکرد

امیرفیض - حقوقدان

خبر اعدام مه آفرین امیر خسروی و انتشار فشرده ای از جلسات دادگاه، خاصه اعلامات آقای سراج، قاضی صادر کننده حکم اعدام امیر خسروی از موجبات تنظیم این تحریر است.

امیرخسروی که بعنوان متهم اصلی پرونده اختلاس ۳ هزار میلیارد تومانی معرفی و محاکمه شده با اتهامات ارتشاء، جعل اسناد- دست اندازی بر اموال دولت، پولشویی و سوء استفاده از رابطه بامقامات ذی نفوذ و همچنین جرم محاربه و افساد فی الارض محکوم به اعدام شده و حکم هم اجرا شده است.

#### مسیر این تحریر

مسیر این تحریر دردوسمت است نخست - تطبیق حکم اعدام با اتهامات متهم و دوم ارتباط اجرای حکم با جلوگیری از فاش شدن اسرار.

\*\*\*

درنگاه اجمالی به اتهامات متهم و مجازات اعدام با شگفتی بارزی مواجه میشویم زیرا اتهامات ارتشاء، جعل اسناد بانکی، دست اندازی بر اموال دولت و بانکها و امثال آنها که در اتهامات متهم آمده هیچیک و یا مجموع آنها دادگاه رابه حکم اعدام برای متهم ترغیب نمیکند.

در ماده ۴ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مصوب سال ۶۷ آمده است:

«کسانی که با تشکیل یارهبری شبکه چند نفری به امر ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مبادرت ورزند به جزای نقدی معادل آن اموال و انفصال ابد از خدمات دولتی و حبس از ۱۵ سال تا ابد محکوم میشوند و در صورتی که عمل آنها مصداق مفسد فی الارض باشد، مجازات مفسد الارض را خواهند گرفت»

مقصود از مفسد فی الارض آن است که هرگاه ارتکاب جرم مالی در سطح وسیع صورت گرفته و به قصد ایجاد اخلال در نظام اقتصادی و تضعیف جمهوری اسلامی و فتنه گری و سست کردن پایه های نظام باشد مصداق مفسد الارض خواهد بود و میتوان او را اعدام کرد.

در رساله فقه و حقوق در رابطه با ماده قانون مزبور آمده است: «اگر هدف مرتکب ثروت اندوزی و مانند آن باشد به مجازات دیگری غیر از مجازات مفسد فی الارض محکوم خواهد شد...»

حسینعلی بای (حقوقدان جمهوری اسلامی)

همانطور که ملاحظه فرمودید رکن اصلی برای تحقق جرم مفسد فی الارض ، قصد وارده مرتکب به تضعیف نظام وفتنه انگیزی از ارکان تحقق جرم فساد فی الارض است.

بنابراین اثبات دو امر برای ورود اتهام افساد فی الارض به متهم لازم است اول اثبات قصد متهم به تضعیف و سست کردن نظام سیاسی کشور و دوم اثبات اینکه عمل متهم سبب سست شدن پایه های نظام جمهوری اسلامی شده است صورت گیرد.

اگر کسی تصور کند که امیرخسروی کم سواد، خواهان تضعیف جمهوری اسلامی بوده که او در پناه همان حکومت به ثروت سرشار و کلاهبرداری های کلان رسیده است باید برای آن تصور کننده دعای سلامتی خواند.

چنین اتهامی به امیرخسروی مانند آن است که تصور کنیم ماهی در آب، مشتاق خشک شدن آب حوضچه است.

اتهام تضعیف و سست کردن جمهوری اسلامی بمناسبت سوء استفاده های هنگفت اشخاص خیلی فکاهی است؛ آیا ظرفیت سیاسی و اقتصادی جمهوری اسلامی در حدی است که سوء استفاده کلان چند نفر در حد سه هزار میلیارد تومان که با حساب دلاری ۳۵۰۰ تومان میشود ۷۰۰ میلیون دلار تضعیف و فروریخته میشود؟ اگر چنین است چطور ۱۸۰ میلیارد پول نفت ایران که توسط آمریکا بلوکه شده و هنوز هم ادامه دارد، سبب سقوط و تضعیف جمهوری اسلامی نشده است؟ کشوری که حاکمیتش با خداست! ورهبرش سید علی گداست مگر بید است که با این بادهای بلرزد!!

داستان شبیه آن است که پشه ای به درخت تنومندی گفت محکم باش میخوامم از روی شاخه ات بلند شوم.

## صلاحیت

در امر دادرسی اعم از حقوقی و یا کیفری صلاحیت رئیس دادگاه حائز اهمیت بسیار است زیرا حیات متهم در اختیار اوست به همین دلیل یک نشانی بسیار ضعیف از کمبود علم قضا و یا خصوصیات اخلاقی مانند حسادت و امثال آنها، از قاضی پرونده سلب صلاحیت میکند.

## دو مورد از مراتب سلب صلاحیت

۱- انکار بعد از اقرار مسموع نیست؛

در جلسه دادگاه هنگامی که متهم نسبت به اظهارات قبلی خود از انکار استفاده کرد آقای سراج قاضی دادگاه فی الفور مانع ادامه اظهارات متهم شد و گفت: «انکار بعد از اقرار مسموع نیست».

مسموع نبودن انکار بعد از اقرار از مبانی اصول حقوق مدنی است نه کیفری تصور میکنم کسی که از این بدیهی بی اطلاع باشد فاقد صلاحیت برای پرونده ای به این مهمی است.

یک چنین گافی (نادانی) از سوی رئیس یک دادگاه کیفری غیرسفارشی کافی است که در جلسه بعد آن رئیس دادگاه کنار گذاشته شود.

## توضیح بر این مهم

دادسراها و دادگاه های کیفری نه برای متهم کردن و مجازات و یا برانت دادن به متهم است بلکه در وهله اول و مهمترین تکلیف دادسرا و دادگاه یافتن متهمین اصلی و کیفیت جرم است؛ بنابراین تا قبل از بدار آویختن، محکوم هر ادعائی که کند باید رسیدگی شود زیرا مهم کشف حقیقت و شناخت مجرم واقعی است و سابقه نشان میدهد که افرادی خودشان را اسپر بلا و متهم اصلی نشان میدهند که متهم اصلی مصون بماند و صدها مورد قابل ملاحظه است.

### مورد اول

روزنامه اعتماد چاپ تهران از جریانی گزارش کرده که فشرده آن چنین است:

خانم فرزانه به اتهام اقرار به قتل احمد شوهرش به پای چوبه دارد در اصفهان رفت در آخرین لحظه که طناب دار نزدیک گردنش میشد فریاد کرد که قاتل شوهرم فلانی است نه من.

اجرای حکم متوقف شد از محکوم به اعدام بازپرسی شد قاضی اصفهانی مانند قاضی سراج نبود که بگوید <انکار بعد از اقرار مسموع نیست> در تحقیقات فاش شد که قاتل مرد دیگری است که رفیق فرزانه بوده و احمد را برای رفع مزاحمت کشته ولی به فرزانه گفته تومدعی قتل شو زیرا بچه داری و ترا قصاص نمیکند و دیه بتو تعلق میگیرد و منم دیه تورا میدهم و باهم راحت زندگی میکنیم.

فرزانه وقتی میبیند که کار او به اعدام کشیده شده حقیقت را میگوید.

### مورد دوم

در سال ۱۹۷۲ در مبارزات ایرلندیها زنی بنام جین مکادیل با داشتن ۱۰ بچه خردسال بوسیله ارتش آزادیخس ایرلند به فرماندهی جرمی آدامز که امروز رهبر حزب شین فین و نماینده مجلس است ربوده و کشته میشود و در جای نامعلومی دفن میشود در سال ۲۰۰۳ جسد آن زن پیدا میشود، اتهام زن خبرچینی بوده است.

۴۰ سال بعد از ربوده شدن آن زن (بریدن کیوس) یکی از فرماندهان نظامی ایرلند چند روز قبل از فوتش نواری را برای بی - بی - سی میفرستد که در آن گفته <فقط یک نفر دستور قتل جین مکاویل را داد که او امروز رهبر حزب شین فین است>.

به اعتبار همین شهادت کلامی پلیس آقای جری آدامز که شخصیت سیاسی معروفی است را بازداشت کرد که با تظاهرات ایرلندی ها مواجه شد.

قاضی دادسرای لندن نگفت که ای بابا ۴۰ سال قبل آن زن ربوده و کشته شده مرور زمان شده، عدالت حکم میکرد که قاتل آن زن حتما شناخته شود و اکنون فقط با اشاره آن فرمانده در گذشته جری آدامز آن شخصیت معروف ایرلندی به پای محاکمه خواهد رفت.

**بخل قاضی و تهدید وکیل متهم**

درجلسات دادگاه دوبار قاضی سراج گفت: <وکیل متهم یک قرارداد حق الوکاله ۱۲ میلیارد تومانی با متهم بسته و این خود جرم وقابل رسیدگی است.>

**این اعلام قاضی سراج سالب صلاحیت اخلاقی او برای امرقضاست.**

**<زامداران منصب قضا باید علاوه براینکه واجد شرائط مقررره باشند باید پرهیزکاروخدا را ناظر دانسته تا محکوم امیال نفسانی و آمال شهوانی نشوند>**  
(قضا دراسلام ۲۱ استاد سنگلجی)

توجه قاضی سراج به مبلغ حق الوکاله وکیل متهم نشانگروجود بخل وحسادت (امیال نفسانی) در اوست مناسبات وکیل وموکل درمورد حق الوکاله وکیل چه ارتباطی به دادگاه دارد رقم ۱۲ میلیارد تومان حق الوکاله وکیل، قاضی سراج رازخط قضاوت خارج واورابه فردی حسود وتنگ نظر تبدیل ساخته است. قاضی سراج آنقدر میدانند که مناسبات حق الوکاله وکیل مربوط به دعوا وقاضی پروند نمیباشد ولی هیجان بخل وحسادت، علم اورابه خطا بودن این اظهارپوشانده است.

**تهدید وکیل متهم بوسیله قاضی سراج آنها درحین محاکمه وبصورت علنی هرچه باشد سبب سلب آزادی وکیل، دردفاع ازمتهم میگردد وحالت احتیاط را ناظربرعمل وکیل وودفاع را معیوب وهمچنین دادگاه را از اصالت واقتدارصدورحکم خارج میسازد که ساخته است.**

**قسمت دوم – فاش کردن اسرار**

اکنون قسمت دوم این تحریر یعنی قسمت بسیار مهم در مقوله اعدام امیرخسروی باتفاق پیگیری میشود درجریان محاکمه چندباربه این اظهارامیرخسروی میرسیم که او گفته است: <ازهمین جا خطاب به مسئولان میگویم تادرجلسه بعدی دادگاه یاخودشان موضوع رابه رهبرانقلاب بگویند که ما برای کمک دولت جلو آمده ایم وگرنه درجلسات بعدی اسامی آنها را با مدارک افشا خواهم کرد.> اظهارات متهم نشان میدهد که؛

- ۱- تحقیقات دادسرا جامع نبوده وبسیاری از مقامات موثرکشور از تحقیقات وتوجه اتهام مصون مانده اند. ۲
- ۲- آن مقامات در موقعیتی بوده اند که متهم از افشای نام آنها احتیاط میکرده که تا پایان دادرسی از آنها نامی نبرده است.
- ۳- خودداری متهم از معرفی آن افراد ومقامات به امید دخالت آنان وکمک به سبکی مجازات متهم بوده ولی چون از این امید نا امید میشود بفکرافشای آن مطالب برای مردم میشود.

وکیل متهم گفته است: <روز سه شنبه سی ام اردیبهشت با موکلم در زندان اوین ملاقات داشتم اوگفت موکلم نامه ای به رهبرنوشته ودرخواست کرده که محتوای نامه باکسب اجازه ازسوی قوه قضائیه به

اطلاع مسئولین و مردم برسد وکیل متهم اضافه کرده که نامه مزبور از سوی زندان اوین به معاونت اجرای احکام دادستانی فرستاده شده است.

نامه امیرخسروی به خامنه ای بتاريخ سی ام اردیبهشت بوده و امیرخسروی در صبح چهارم خرداد اعدام شده یعنی بفاصله سه روز که یک روز آنهم جمعه و تعطیل بوده. محتوای آن نامه چه بوده که رژیم از آگاهی متن آن چنان هراسناک شده که بسرعت به اجرای حکم اعدام مبادرت کرده است.

از ابتدای اسلام این سنت و رویه پایدار شد که به اعدامی ها گفته میشد هرتقاضائی که دارید و یا هر حرفی که دارید بزنید این سنت درباره اعدامی ها در همه کشورهای امروز جاری است چنانکه در مورد لویی پادشاه فرانسه اجراشد منتها صدای طبلها را چنان بلند کردند که کسی ندانست او چه گفت.

در صدر اسلام (عقیه بن ابی محط) یکی از سرداران دشمن اسیر محمد شد، محمد به ثابت دستور داد گردن او را بزند او بعنوان آخرین کلام همانطور که دستش بسته بود فریاد کرد ای پیغمبر خدا **فرزند نام چه میشوند) حضرت فرمود به جهنم.** ( تاریخ اسلام و تاریخ طبری ۹۷۶ )

ولی در مورد امیرخسروی اهمیت مطالب و آگاهی مردم از آن، آنقدر برای نظام جمهوری اسلامی و شخص خامنه ای و اطرافیان او مهم و خطرناک بوده که به آخرین درخواست اعدامی هم توجهی نشده و به دستور سید علی به اعدام سپرده شد، زیرا فقط اعدام فوری او بود که واقعیت ها موقتا مدفون میشد.

\*\*\*

